13713 ـ مذهب اهل سنت درباره‌ی صحابه و امامت ابوبکر صدیق

سوال

دلیل شما برای اینکه امام علی (علیه السلام) را پس از پیامبر محمد (علیه السلام) رهبر نمی‌دانید چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا: از اصول اهل سنت و جماعت، سالم نگه داشتن قلب‌ها و زبان‌هایشان برای اصحاب رسول الله ﷺ است. سالم نگه داشتن قلب از کینه و کدورت و نفرت، و سالم نگه داشتن زبان‌هایشان از هر سخنی که شایسته‌ی اصحاب پیامبر ﷺ نیست، زیرا الله متعال می‌فرماید: وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ وَلا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيم [حشر/ ۱۰] (و کسانی که پس از آنان می آیند می‌گویند: پروردگارا ما و برادران‌مان را که در ایمان از ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌های ما [هیچگونه] کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند مگذار؛ پروردگارا به راستی تو رئوف و مهربانی).

و این اطاعت از پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: «یاران من را ناسزا نگویید؛ زیرا قسم به آنکه جانم به دست اوست، اگر کسی از شما به اندازه‌ی کوه احد طلا انفاق کند، به اندازه‌ی یک مُد آنان و حتی نصف آن نخواهد رسید» به روایت بخاری (۳۶۷۳) و مسلم (۲۵۴۱).

از دیگر اصول اهل سنت، پذیرش فضائل و مراتب اصحاب است در کتاب و سنت و اجماع به اثبات رسیده. آنان اصحابی را که پیش از فتح ـ یعنی صلح حدیبیه ـ انفاق و جهاد نمودند، بر دیگر اصحاب برتری میدهند، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: لا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُوْلَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنْ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِير [حدید/ ۱۰] (کسانی از شما که پیش از فتح انفاق و جهاد کرده‌اند [با دیگران] یکسان نیستند. آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی هستند که بعدا به انفاق و جهاد پرداخته‌اند و الله به هر کدام وعده‌ی نیکو داده است و الله به آنچه می‌کنید آگاه است).

آنان مهاجران را برتر از انصار می‌دانند، به دلیل این سخن خداوند که می‌فرماید: وَالسَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ مِنْ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ [توبه/ ۱۰۰] (و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کرده‌اند؛ الله از آنان خشنود

گردید و آنان از وی خشنود شدند و برایشان باغهایی آماده ساخته از زیر [درختان] آن رودها روان است، جاودانه تا ابد در آن ماندگارند؛ آن است پیروزی بزرگ). خداوند در این آیه، مهاجران را بر انصار مقدم داشته است.

و به این ایمان دارند که خداوند به اهل بدر ـ که سیصد و چند نفر بودند ـ فرموده است: هر کاری می‌خواهید بکنید که شما را آمرزیدم زیرا در روایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: چه بسا خداوند بر اهل بدر اطلاع یافته و فرموده است: هر چه می‌خواهید بکنید، که شما را آمرزیدم به روایت بخاری (۳۰۰۷) و مسلم (۲۴۹۴).

و اعتقاد دارند هیچ یک از کسانی که زیر درخت بیعت نمودند وارد آتش نخواهد شد، چنانکه پیامبر ﷺ فرموده، بلکه الله از آنان راضی گشته و آنان نیز از خداوند خشنودند: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا [فتح/ ۱۸] (بی‌شک الله از مومنان خشنود شد آنگاه که زیر درخت با تو بیعت می‌کردند، پس به آنچه در قلب‌هایشان بود آگاه شد و آرامش را بر آنان فرو فرستاد و فتحی نزدیک به آنان پاداش داد). و پیامبر ﷺ می‌فرماید: هیچ یک از اصحاب درخت که زیر آن بیعت کردند، ان شاءالله وارد آتش نمی‌شوند مسلم (۲۴۹۶). از جمله کسانی که زیر آن درخت بیعت نمودند، ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم اجمعین بودند.

آنان شهادت به بهشتی بودن کسانی می‌دهند که پیامبر ﷺ گواهی به بهشتی بودنشان داده مانند عشره‌ی مبشره و ثابت بن قیس بن شماس و دیگر اصحاب. پیامبر ﷺ می‌فرماید: ابوبکر بهشتی است، و عمر بهشتی است، و عثمان بهشتی است، و علی بهشتی است، و طلحه بهشتی است، و زبیر بهشتی است، و عبدالرحمن بن عوف بهشتی است، و سعد بهشتی است، و سعید بهشتی است، و ابوعبیدة بن الجراح بهشتی است ابوداود (۴۶۴۹) و ترمذی (۳۷۴۷) و آلبانی آن را صحیح می‌داند.

همچنین به آنچه به تواتر ثابت شده و از علی رضی الله عنه نیز نقل شده اقرار می‌کنند مبنی بر اینکه بهترینِ این امت پس از پیامبر ﷺ ابوبکر، سپس عمر رضی الله عنهما هستند. از محمد بن حنفیه روایت است که: به پدرم (علی بن ابی‌طالب) گفتم: چه کسی از مردم پس از رسول الله ﷺ بهتر است؟ گفت: ابوبکر؛ گفتم: سپس چه کسی؟ گفت: عمر. ترسیدم که [در سومی] بگوید عثمان؛ گفتم: سپس تو؟ گفت: من تنها یکی از مسلمانان هستم. بخاری (۳۶۷۱).

و عثمان را سومین و علی را چهارمین می‌دانند.

مراجعه کنید به عقیدهٔ واسطیه اثر شیخ الاسلام ابن تیمیه و شرح آن.

ثانیا: بر اساس مذهب اهل سنت، شایسته‌ترین کس به خلافت، پس از رسول الله ﷺ ابوبکر صدیق رضی الله عنه می‌باشد. اینک دلایل امامت ابوبکر رضی الله عنه:

۱ـ از محمد بن جبیر بن مطعم از پدرش روایت است که زنی [برای کاری] به نزد رسول الله ﷺ آمد. پیامبر ﷺ به ایشان فرمود که دوباره نزد ایشان برگردد. آن زن پرسید: اگر آدم و شما را نیافتم چه؟ گویا منظورش وفات پیامبر ﷺ بود. رسول

الله ﷺ فرمود: اگر مرا نیافتی به نزد ابوبکر بیا بخاری (۳۶۵۹).

۲ـ از ابن مسعود نقل است که رسول الله ﷺ فرمودند: به کسانی که پس از من هستند ـ ابوبکر و عمر ـ اقتدا کنید ترمذی (۳۸۰۵) و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۳ـ از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله فرمود: در حالی که در حال کشیدن آب از چاهی بودم، [یعنی در خواب] ابوبکر و عمر آمدند. ابوبکر دلو را برداشت و یک دلو یا دو دلو آب کشید و در کشیدنش اندکی ضعف بود که خداوند او را آمرزید. سپس عمر بن الخطاب آن را از دست ابوبکر گرفت. دلو ناگهان بزرگ شد و هیچ سروری را ندیده‌ام که مانند او عمل کند تا آنکه مردم سیراب شدند به روایت بخاری (۳۶۷۶). ابن حجر در شرح این حدیث می‌گوید:

«آنچه به نظرم من آمد این است که این اشاره‌ای به فتوحات بزرگِ دوران ایشان [یعنی عمر رضی الله عنه] که سه فتح بزرگ بود. به همین خاطر هنگام سخن از عمر به تعداد دلوهایی که ایشان کشید اشاره نکرده بلکه به بزرگ بودن دلو اشاره نموده که اشاره به فتوحات بزرگی است که در خلافت ایشان اتفاق افتاد. والله اعلم

امام شافعی در تفسیر این حدیث در کتاب الأم می‌گوید: این قسمت که می‌گوید در کشیدنش اندکی ضعف بود اشاره به کوتاه بودن زندگی و وفات ایشان و مشغول شدن وی به نبرد با مرتدان بود که باعث شد همانند عمر به فتوحات و ازدیاد [سرزمین‌ها] نرسد.

درباره‌ی این قسمت که خداوند او را آمرزید امام نووی می‌گوید: «این دعای متکلم است یعنی مفهومی ندارد. برخی گفته‌اند: این اشاره‌ای است به نزدیک بودن اجل ابوبکر، همانند این آیه فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا که اشاره به نزدیک بودن وفات پیامبر ﷺ دارد. می‌گویم: احتمال دارد این اشاره به کم بودن فتوحات دوران ابوبکر باشد که تقصیر ایشان نیست زیرا مدت خلافت وی کم بود. یعنی منظور از مغفرت، عدم ملامت ایشان است.

۴- از عائشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر ﷺ در بیماری‌اش به من فرمود: پدرت و برادرت ابوبکر را صدا بزن تا نامه‌ای بنویسم زیرا می‌ترسم آرزومندی دچار آرزو شود و بگوید من اولویت دارم، در حالی که الله و مومنان کسی جز ابوبکر را نمی‌خواهند. مسلم (۲۳۸۷).

۵- پیامبر ﷺ در بیماری وفاتش ابوبکر صدیق را در نماز به امامت مسلمانان منصوب کرد و جز او به امامت کسی دیگر راضی نشد، گویا جانشین کردن ابوبکر در امامت صغری اشاره‌ای بود به جانشینی او در امامت کبری.

والله اعلم.